



دلایل انفعال مادر عرصه تجارت بین الملل چیست؟

فردی واجتماعی، ساختار معیوب سازمانی، فقدان انگیزهٔ جمعی، عدم تمایل به تعامل و کار تیمی، فراهم نبودن بسترهای حقوقی و اجرایی، انحصار دولت در حوزه تصدی گری، فضای رگولاتوری مبهم و صدها و صدها مشکل دیگر است که در زمان انجام عملیات تجاری و در تعامل بین دینفعان زنجیره تامین به خوبی نمایان می شوند.

❏ دیوانسالاری معیوب

سی سال پیش مرحوم عسگر اولادی پرچم دار الیگارشیهای متنفذ و با قدرتی بود که ریشه های عمیقی در بازار به عنوان کانون اقتدار راستگرایان داشتند. مولهفه با کند کردن روند رشد توسعه توانست اقتصاد کشور را در مسیر مورد توقع شرکای بازاری خود نگاه دارد. مولهفه تأثیری عمیق بر نظام دیوانسالاری و قانونگذاری کشور گذاشت که به دلیل محدودیت های عرفی و فقهی هرگز ساز و کاری منسجم و سیستماتیک برای همگرایی با اقتصاد رو به رشد جهانی نداشت. از آن زمان محافظه کاری و دولت گرایی بر کل ارکان دیوانسالاری کشور مسلط شد و مسیر تجارت به سوی واردات کالای مصرفی آنهم در سایه انحصار شکل گرفت.

در سالهای اخیر عمر الیگارشیهای سنتی به پایان رسیده و به جای آنان ابرطبقه ای نوین با همان رویکرد انحصار طلبانه و البته بدون محدودیت های اخلاقی و مذهبی که مولهفه به آن اعتقاد داشت، با اطمینان خاطر بیشتری جایگاه خود را با عنوانی پرطمطراق به نام خصولتی ها باز می یابند. آنان رسانه، شبکه های گسترده و پیچیدهٔ دولتی و نیمه دولتی با دست هایی مقتدر در اداره کشور را در اختیار دارند و کماکان نظام قانون گذاری و دیوانسالاری را در راستای اهداف جمعی خود به پیش می برند. به عنوان مثال می توان به قدرت این شبکه ها در توزیع نفت سفید و مازوت داخلی علی رغم شبهه دامن زدن به قاچاق اشاره نمود.

❏ قانون نانوشته ضد تراس

روزولت از ثروتمندان متنفر بود ترس او از رشد بنگاه های اقتصادی ریشه در نقش روز افزون آنان در کنترل ارکان قدرت داشت. راکفلر و شرکت استاندارد، گریه سیاه روزولت به شمار می آمدند، از این رو در نوامبر ۱۹۰۶ برابر قانون ضد تراسِ شرمن، در دادگاه فدرال علیه راکفلر اقامه دعوا نمود و شش ماه به استاندارد مهلت داد تا انحلال خود را اعلام نماید. استاندارد تجزیه شد و از دل آن شرکت های اکسون موبیل، شوژون، سوهایو یا BP، آموکو، کونوکو، آرکو و سان متولد شدند. شرکت هایی که امروز فروش آنان از تولید ناخالص داخلی روسیه بیشتر است.

در روسیه خودورکوفسکی ستاره نوظهوری بود که در دوران پساشوروی با تاسیس بانکی نوپا به نام مناتپ و با تکیه به نبوغ خود به ثروت رسید. اما به محض در نظر گرفتن جایی برای خود در آینده سیاسی روسیه، با سربه زمین خورد یا شاید بهتر بتوان گفت بر زمین زده شد. او با فراتر گذاشتن پا از گلیم خود، برای دولتی که زمانی عامل موفقیت او بود، یک تهدید قلمداد شده بود.

همانطور که می بینید فراگرد ابداع، خلاقیت، توسعه، قدرت یابی و سپس رویارویی و بروز مشکل با دولت در مورد الیگارشیهای روسی نیز چون تکنوکرات های آمریکایی حاصل یک نوع بینش دولتی و انحصار طلبانه است. با این تفاوت که دولت آمریکایک قرن پیش چنین تفکری داشته، روسیه در حال عبور از آن و کشورهایی نظیر ایران در ابتدای ورود به این عرصه می باشند.

اگر سری به سایت ویتول بزرگترین غول تجاری صنعت نفت و گاز بزنیم، گزارش آقای یان تیلور رئیس این شرکت را می بینیم که گردش مالی ویتول را در سال ۲۰۱۷ عددی بالغ بر ۱۸۱ میلیارد دلار اعلام کرده است. در تعقیب ویتول رقبای بزرگی همچون گلنکور، کارگیل، صنایع کک، ترافیگورا، مرکوریا و چندین شرکت دیگر را می بینم که گردش مالی هر کدام از آنها نیز به تنهایی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بوده است. ویتول در همین سال معادل ۲.۵۹۷ میلیون بشکه یعنی روزانه بیش از هفت میلیون بشکه نفت خام و انواع فرآورده را با نزدیک به هفت هزار صفر دریایی معامله و جابجا کرده است. عملیات این حجم از تجارت سالانه با همکاری و مشارکت ۵.۴۴۱ پرسنل کارآمد ویتول انجام می پذیرد. اما چگونه امکان پذیر است که یک شرکت مستقل، آن هم در کشوری مانند هلند که فاقد منابع نفت و گاز است به چنین جایگاه عظیمی در این تجارت دست می یابد؟

طبیعتاً یکی از دلایل آن ساختار ضد انحصاری دولت این کشور است. ایجاد فضای مناسب کسب و کار و رقابت سالم باعث می گردد شرکتی نظیر ویتول بدون ترس از مداخله جویی کینه ورزانهٔ دولت، به راحتی و زیر سایهٔ امنیت پایدار مسیر اقتدار را طی کرده و به چنین جایگاه رفیعی دست یابد. این پاسخ صحیح است ولی کامل نیست. برای ارائه تصویری روشنتر اگر فرض کنیم دولت ایران مدل دیوانسالاری هلند را داشت چقدر طول می کشید تا ویتول ایرانی با گردش بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال شکل بگیرد؟

در واقع مشکلات ما ریشه دارتر و عمیقتر از آن است که فقط به فقدان مدیران کارآمد و یا بی کفایتی و تنگ نظری دولتمردانمان منحصر شود. مشکلات ما عمدتاً از جنس عقب ماندگی

ملی تحمیل کند. ده ها بخشنامه متناقض صادر شده در طول سال جاری برای تبیین سیاست های ارزی و بورسی کشور مبین همین ادعا است.

اما شواهد و قرائن حاکی از آن است که توسعهٔ شبکه های اجتماعی و اطلاع رسانی و به تبع آن افزایش سطح آگاهی عمومی، عصر جدیدی از حیات اقتصادی کشور را نوید می دهد. آشکار شدن حلقه های معیوب دیوانسالاری و رسوایی شبکه های انحصار طلب متعاقباً مجموعه ای از مطالبات جمعی را به همراه دارد که در ادامه به تغییراتی ساختاری در رویکرد اقتصادی حاکیمت منجر خواهد شد. سیاست خارجی معطوف به روابط امنیتی جای خود را به توسعه تجاری داده و برنامه ها و الگوهای تجربه شدهٔ جهانی کم کم خاطرات روزهای سخت گذشته را کم رنگتر خواهد کرد.

❏ بخش خصوصی منفعل

انفعال بخش خصوصی در دود دهه اخیر از انحصار دولتی و نا کارآمدی قانون نیز مخرب تر بوده است. به عنوان مثال در دود دهه اخیر استاندارد های تجاری به شکل زیربنایی تغییر یافته اند. بخش عمده ای از تجارت جهانی در بستر اینترنت و اسناد تجاری الکترونیکی انجام می پذیرد. نقل و انتقالات مالی در پلتفرم های قدرتمندتری اجرامی شوند. همکاری های منطقه ای و فرامنطقه ای در ساده سازی روند تجاری موثر بوده و استفاده از فن آوری اطلاعات و واگذاری تصدی گری امور گمرکی و بندری به بخش خصوصی مدت زمان صادرات و واردات را کاهش داده است. و این درحالیست که بخش خصوصی ما نه در شکل بنگاه و نه در قالب تشکل هیچ تلاش چشمگیری برای هم تراز ی با تغییرات حوزه تجارت انجام نداده است.

سال گذشته با هدف ارزیابی و اندازه گیری شکاف موجود بین ما و تجارت بین الملل، پیشنهاد برگزاری دوره Business Process Analysis به ”کمسیون اقتصادی اجتماعی سازمان ملل / UN / ESCAP“ داده شد. دوره در ۱۰ ساعت شامل بررسی اسناد و ذی نفعان زنجیره صادرات در محل اتحادیه اوپکس برگزار شد. در پایان دوره به جز شرکت ایرانول تقریباً سایرین حتی متوجه مضمون و هدف دوره نیز نشدند. دوره ای که پیش نیاز آن تجربه صادراتی و آشنایی با اسناد بود! بررسی ها نشان می دهد که تجار ما عمدتاً هماهنگی ستادی با ترخیص کار، شرکت حمل و فرواردر را به عنوان فرآیند صادرات می شناسند و شناخت کافی از ماهیت آن ندارند.

❏ اتحادیه و پتانسل برون رفت از بحران

اتحادیه به عنوان مرجع طرح مطالبات بخش خصوصی، پتانسیل و ظرفیت کافی برای سامان دادن به وضعیت جاری را دارد. اتحادیه می تواند در چهار حوزه: دانش، مهارت، شبکه ارتباطی و تامین منابع، برنامه ریزی هدفمندی را به مرحله اجرا گذاشته و با تشکیل کمیته ها و کارگروه های مختلف اعضا را در هر یک از حوزه های یاد شده آموزش و ارتقاء دهد. برنامه های آموزشی، مطالعات تطبیقی، هیئت های تجاری، ارتباط با نهادهای بین المللی نفت و گاز، بازار سنجی، توسعه روابط با گمرک، سازمان بنادر، راهداری، ستاد مبارزه با قاچاق کالا، استاندارد، محیط زیست، شرکت نفت، پخش و پالایش و سایر ذی نفعان درگیر در زنجیره تامین تا صادرات فرآورده های نفتی و دست آخر انتقال تکنولوژی که همه اینها می توانند به مرور زمان در دستور کار سازمانی و تشکیلاتی اتحادیه قرار گیرند و با تبیین یک استراتژی کارآمد به رشد و ارتقاء بخش خصوصی در صنعت نفت منجر شوند.

این مقاله مقدمه ای بود بر مقالات بعدی که در آنها عمدتاً به تشریح راه کارها و جزئیات برنامه های پیشنهادی پرداخته خواهد شد. امید است با همکاری اعضای محترم اتحادیه نقش بخش خصوصی و سهم آن از صادرات هر روز پررنگتر و بیشتر گردد.

دولت به تأسی از کانون های قدرت مورد اشاره، برای مقابله با رشد بخش خصوصی مستقل که می تواند به پایان انحصار حاکمیتی منجر شود، با دستپاچگی حوزه های تحت کنترل خود را مانند گمرک و دارایی در دیوان سالاری بیشتری غرق می کند. دخالت های دولت در صنعت خودرو، نفت و بانکداری بیشتر از قبل بوده و دولت برای جلوگیری از دگردیسی اقتصادی حاضر است هر هزینه ای را به اقتصاد